

امر تشکل طبقه کارگر و ایجاد تشکیلات صنفی  
نظیر سندیکا و اتحادیه و از آن مهمتر تثبیت این  
حقوق بطور اجتناب‌ناپذیری به مبارزه توده‌ها  
برای سازمان دادن انقلاب و سرنگونی رژیم  
سرکوبگر جمهوری اسلامی گره خورده است.

بکوشیم تا با حمایت از مبارزات و خواست‌های  
برحق طبقه کارگر ایران، جنبش تاریخ‌ساز آنها را  
در جهت‌گیری به سوی این هدف، یعنی انقلاب  
اجتماعی یاری دهیم.

نشریه سیاسی - خبری چریکهای فدایی خلق ایران، شماره ۳۸ - ۱۵ دی ۱۳۸۴

## در حاشیه یورش رژیم به

## کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

شماری از کارمندان بخش‌های  
مختلف به اعتراض برخاسته و  
برای تحقق مطالبات خویش و  
همچنین آزادی دستگیرشدگان، از  
شامگاه روز شنبه اعلام اعتصاب  
کرده و تعدادی نیز دست به تحصن  
در دفتر شرکت زدند.

ادامه در صفحه ۲

آنان را دستگیر و روانه  
سیاهچال‌های خویش نمودند.  
بدنبال این واقعه، قریب به ۳  
هزار تن از کارگران شرکت واحد و

از کارگران و کارکنان شرکت واحد  
اتوبوسرانی که بعنوان "اعضای  
هیات مدیره سندیکا"ی این شرکت  
شناخته می‌شوند، هجوم برده و

در ساعات اولیه بامداد روز ۵  
شنبه، اول دی ماه مامورین  
سرکوبگر جمهوری اسلامی به حکم  
دادستانی حکومت به منازل ۱۰ تن

تشکیل شده است که از این مقدار یک هزار و ۴۲۰ هکتار این پرونده متعلق  
به منطقه نظرآباد است". او اضافه کرده که یکی از این متهمین که رئیس  
سابق شورای شهر کرج بود، قرار بازداشتش تمدید شده است. دادستان  
کرج افزود که: "پرونده این شخص با پنج‌هزار برگ مراحل ادامه  
کارشناسی آن در حال سپری شدن است که این پرونده بعد از انقلاب  
اسلامی یکی از بی‌نظیرترین پرونده‌ها در سطح کشور است".

## رسوایی ۴۴ مدیر دولتی در پرونده زمین‌خواری در کرج

دادستان عمومی و انقلاب کرج از دخالت و دست داشتن ۴۴ مدیر دولتی  
محل، منطقه ای و استانی در پرونده زمین‌خواری شهرستان فوق‌خبر  
داد. علی اصغر شفیعی خورشیدی اعلام کرد که: "قریب به سه هزار و  
یکصد هکتار پرونده زمین‌خواری در دادرسی عمومی و انقلاب کرج

## هزاران کارگر طبسی، ماه‌هاست که حقوقی دریافت نکرده‌اند

نیز در پیش است، نگرقتن سه ماه حقوق آنها  
حقوقی که اگر سر موعد نیز پرداخت شود،  
کفاف مخارج زندگی بخور و نمیر را به سختی  
می‌دهد، یعنی کار بدون مزد و بردگی عربان.  
عدم پرداخت حقوق کارگران در چنین شرایطی  
و بی‌توجهی به این امر از سوی مسئولان،  
خشم شدید کارگران را برانگیخته است.

بی اطلاع بوده و خبر از این "رویکرد  
استثمار" ندارد، تلاش ورزیده تا با "بی  
اطلاع" جلوه دادن "نماینده" طبس در مجلس  
رژیم از این امر، حرکت اعتراضی کارگران که  
مراحل نامه نگاری به صاحبان شرکتها و  
نماینده مجلس را می‌گذرانند، در همین چارچوب  
نگاه دارد. اما واقعیت این است که در شرایطی  
که گرانی بیداد می‌کند و فصل سرد زمستان

"غلامرضا محمدی"، به اصطلاح نماینده  
کارگران طبس، اعلام نموده است که: "هزاران  
کارگر شاغل در شرکتهای پیمانکاری و خدماتی  
این شهرستان، بیش از سه ماه است که حقوق  
قانونی خود را دریافت نکرده و اعتراضات پی  
در پی آنان برای دریافت حقوق، به جایی  
نرسیده است". وی با اظهار اینکه نماینده مردم  
طبس در مجلس "شورای اسلامی" از این امر

نمانده است، هنوز این کارگران سطح دستمزدهایشان با حداقل سطح  
دستمزد سال ۸۳ تفاوتی نکرده است! این در حالی است که اکثر این کارگران  
بیمه نبوده و طبق گفته شمس‌الله منوچهری: "کارفرمایان به طرق مختلف  
سعی در تضییع حقوق حقه آنان دارند".

کارگران نانوا در این استان بارها به مراجعه قانونی از جمله به  
"هیاتهای تشخیص حل اختلافات در شهرستان و استان" اقدام نموده‌اند، اما  
مسئولان این نهادها هیچ اقدامی در جهت پیگیری حقوق کارگران و برخورد  
قاطع با کارفرمایان انجام نداده‌اند. این بی‌توجهی از سوی "مسئولان"،  
عملاً چراغ سبزی برای کارفرمایان شده تا هرچه بیشتر به تضییع حقوق  
کارگران بپردازند.

## ۵ هزار کارگر نانوایی در کرمانشاه،

## بی‌سرپناه هستند

بنابه گفته شمس‌الله منوچهری، از مسئولین کانون انجمنهای صنفی  
سراسر کشور: "کارگران خباز کرمانشاه هم اکنون در بدترین شرایط  
معیشتی که ناشی از کمی دستمزد است به سر می‌برند به نوعی که حتی  
از تهیه کمترین سرپناه برای گذران زندگی باز مانده‌اند!"

بیش از ۵ هزار کارگر نانوایی در استان کرمانشاه مشغول کار  
هستند که اکثر آنان مطابق مصوبه سال گذشته "شورای عالی کار"  
حقوق دریافت می‌کنند. با این وجود در حالی که چیزی به پایان سال ۸۴



## در حاشیه یورش رژیم به کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

بقیه از صفحه ۱

همچنین مقامات رژیم، تعدادی از اتوبوس‌های سپاه پاسداران را برای جابجا کردن مردم و کاستن از ازدحام مردم به خشم آمده به صحنه آوردند. یورش به کارگران شرکت اتوبوسرانی و دستگیری برخی از فعالین سندیکایی این شرکت در شرایطی صورت می‌پذیرد که مقامات حکومت در ماه‌های اول فعالیت سندیکایی در این شرکت، با ارسال نیروهای سرکوب و لباس شخصی‌های مزدور وزارت اطلاعات به محل تشکل فعالین سندیکایی، به آنها یورش برده و کوشیدند تا با سرکوب و ضرب و شتم و ایجاد رعب و وحشت در میان کارگران، تلاش آنها برای تشکیل یک سندیکای غیردولتی و موازی با ارگان‌های ضدکارگری موسوم به "خانه کارگر" و "شوراهای اسلامی کار" را در نطفه در هم بشکنند.

در جریان این هجوم مزدوران حکومت از اعمال هیچ وحشیگری‌ای در حق کارگران محروم و مقاوم دریغ نوزیدند و حتی با اقدام به بریدن زبان یکی از فعالین سندیکایی به نام منصور اسانلو با چاقو در جلوی چشمان وحشتزده حاضرین او را مجروح نمودند، امری که به شکایت کارگران شرکت واحد در مراجع قانونی و "وعده" آنان در رسیدگی به این عمل ضدحلقی و "تشکیل پرونده" در آن مراجع انجامید. اما در عمل مقامات جمهوری اسلامی به جای رسیدگی به شکایت کارگران، با یورش به

منازل فعالین سندیکایی، پاسخ دادخواهی کارگران از طریق مراجع "قانونی" را دادند و نشان دادند که در چارچوب نظام دیکتاتوری موجود، رژیم حاکم نه تنها ظرفیت پاسخ‌گویی به کمترین خواست‌های عادلانه صنفی و طبیعی کارگران را ندارد، بلکه کوچکترین حرکت اعتراضی آنان برای تغییر این شرایط ظالمانه را نیز تحمل نخواهد کرد.

اعتصاب کارگران شرکت واحد در شب شنبه و روز یکشنبه (۳ و ۴ دی ماه)، سر انجام با حضور گسترده نیروهای سرکوبگر رژیم که با تهدید و ایجاد رعب و وحشت و همچنین با وعده آزادی دستگیرشدگان و رسیدگی به خواست‌های آنان، کارگران معترض را به ترک محل و ختم اعتصاب فرا می‌خواندند، به پایان رسید. به‌رغم این وعده، اما مقامات رژیم روز بعد تنها تعدادی از دستگیرشدگان را آزاد کرده و منصور اسانلو را در زندان نگه داشتند و درب محل تجمع و گردمایی کارگران نیز همچنان بصورت مهر و موم شده باقی ماند. البته دست‌اندرکاران ضدحلقی رژیم اضافه کردند که افراد آزاد شده را نیز بزودی "محاکمه" خواهند کرد.

یورش حکومت به کارگران شرکت واحد در شرایطی صورت می‌گیرد که هزاران کارگر و کارمند این موسسه همچون سایر بخش‌های طبقه کارگر ایران، خواستی جز بهبود شرایط کار، دستمزدهای عادلانه و حق ایجاد تشکل مستقل برای دفاع از حقوق پایمال شده‌شان در مقابل کارفرمایان و دولت نداشته‌اند. آنها در طول ماه‌ها با مبارزات خویش کوشیده‌اند تا از حقوق طبیعی خویش دفاع کنند و در مقابل نهادهای فرمایشی و سرکوبگر و بالنتیجه بی‌آبرو (نظیر خانه

کارگر و شورای اسلامی کار) که حکومت اساساً برای کنترل و سرکوب مبارزات آنان بوجود آورده، تشکل صنفی مستقل خویش را ایجاد نمایند. در راستای همین تلاش‌های مبارزاتی است که در ماه‌های اخیر ما شاهد گسترش اعتراضات و مقاومت‌های کارگران شرکت واحد در تهران و به موازات آن برگزاری گردمایی‌های علنی و عمومی‌ای بوده‌ایم که با اطلاع رژیم و با حضور "مرئی" و "نامرئی" "سربازان گمنام امام زمان" برگزار می‌گشت و در شرایط عدم ایجاد ممانعت علنی از سوی دستگاه سرکوب حکومت، تعداد قابل‌توجهی در این گردمایی‌ها شرکت می‌کردند. گفته می‌شود که در پرتو این فعالیت‌ها تعداد کارگران و کارکنان شرکت واحد که در این سندیکا نام‌نویسی کرده بودند به ۸۰۰۰ تن بالغ می‌شد.

به اعتبار حقایق فوق است که مطالبات عادلانه کارگران شرکت واحد و مبارزات و مقاومت قهرمانانه آنها در مقابل دستگاه سرکوب رژیم باید توسط تمامی نیروهای آزادی‌خواه و انقلابی مورد توجه و حمایت پشتیبانی قرار گیرد. در عین حال، حرکت مبارزاتی اخیر کارگران شرکت واحد بار دیگر یادآوری و تاکید بر برخی از تجارب جنبش کارگری در ایران را ضروری می‌سازد.

واقعیت این است که طبقه کارگر ایران در چارچوب نظام موجود یعنی نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم و حاکمیت رژیم ضدحلقی جمهوری اسلامی در یکی از دهشتناک‌ترین شرایط کار و معیشت به سر می‌برد. استثمار وحشیانه در محیط کار، ساعات کاری طاقت‌فرسا در مقابل دستمزدهای ناچیزی که اغلب تا ماه‌ها پرداخت نمی‌گردند، تعطیلی پی‌درپی کارخانجات و

واحد‌های تولیدی که مفهوم آن از دست دادن کار بدون پرداخت کوچکترین غرامت می‌باشد، فقدان کمترین حقوق عادلانه صنفی و در یک کلام فقر و گرسنگی و محرومیت و فشار و تحقیر و سرکوب، همچون هیولایی گلوی کارگران تحت ستم ما را بویژه در سال‌های اخیر فشرده است. تا جایی که در دهه‌های آغازین قرن ۲۱ می‌توان به جرات گفت که وضع طبقه کارگر ایران از بسیاری جهات شبیه وضع فلاکت‌بار کارگران اروپا در قرن ۱۸ و ۱۹ است. در چنین اوضاع و احوالی‌ست که ما شاهدیم میلیون‌ها تن از کارگران ایران به اعتراف مقامات رژیم و بلندگوهای تبلیغاتی‌شان در زیر خط "فقر" و یا "بقا" و حتی "فنا" زندگی کرده و زندگی خود و خانواده‌هایشان در گرداب فقر و گرسنگی و بیماری و محرومیت و فحشا و ... بطور روزمره در حال از هم گسیختگی و نابودی‌ست.



در این حال، رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی که وظیفه‌ای جز به حراج سپردن ثروت‌های مملکت و استثمار و غارت نیروی کار کارگران و خلق‌های محروم ما به نفع امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران زالوصفت وابسته ندارد، نه تنها کوچکترین گامی در جهت بهبود اوضاع دهشتناک کار و معیشت کارگران ایران بر نمی‌دارد، بلکه با بیش‌تری تمام هر روز با تصویب



قوانین ضدکارگری جدید بر ابعاد غارت و استثمار آنان فزونی بخشیده و با مکیدن شیر جان آنان و خانواده‌هایشان جیب‌های سرمایه‌داران را هر چه بیشتر انباشته می‌سازد.



بدون شک تداوم چنین اوضاعی بطور طبیعی موجب پدیدار شدن و رشد مقاومت و اعتراض کارگران بجان آمده می‌گردد و این واقعیت، خود را در گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری برای تعدیل شرایط طاقت‌فرسای استثمار نشان می‌دهد. به این ترتیب روزی نیست که کارگران محروم ما در گوشه و کنار مملکت برای تعدیل شرایط وحشیانه استثمار خویش توسط دولت و سرمایه‌داران زالوصفت، برای اخذ و یا افزایش حقوق بخور و نمیر، برای بهبود شرایط کار، برای داشتن حق اعتصاب و اعتراض و دارا بودن حق تشکل صنفی مستقل و بالاخره برای برخورداری از یک حقوق انسانی دست به اعتراض و اعتصاب و مقاومت نزنند.

از سوی دیگر رژیم حاکم نیز بنا به ماهیت ضدخلقی خود به‌رغم تمامی وعده‌های فریبکارانه خویش نه می‌خواهد و نه می‌تواند کوچکترین پاسخ عادلانه‌ای به مطالبات برحق کارگران بدهد. دیکتاتوری حاکم در مقابل سیل حرکات اعتراضی و گاه قهرآمیز کارگران به سرکوب خشن و عریان دست می‌یازد و حرکات عادلانه کارگران را با بگیر و ببند و شکنجه و زندان پاسخ داده و حتی از به گلوله بستن کارگران خودداری نمی‌کند.

"در حقیقت، کارگران ما در جریان تمامی مبارزات قهرمانانه خویش در طول این سال‌ها دیده‌اند که دیکتاتوری و سرکوب به مثابه ابزار تعیین‌کننده و عمده طبقه حاکم، جزء ذاتی حیات ننگین رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی بوده و از آن جدائی‌ناپذیر است. یورش اخیر حکومت به کارگران شرکت واحد و بگیر و ببند و سرکوب کارگران و خفه کردن کوشش آنها برای تشکیل تشکیلات صنفی غیردولتی در نطفه، با توجه به چنین واقعیتی صورت می‌پذیرد."

ضدخلقی جمهوری اسلامی می‌باشد، بسیار مهم است تا بدین نکته نیز توجه کنیم که در شرایط رشد اجتناب‌ناپذیر مبارزات طبقه کارگر، این رژیم علاوه بر سرکوب عریان از روش‌های حيله‌گرانه زیادی برای به شکست کشاندن و انحراف مسیر مبارزات آنها استفاده می‌نماید. تجربه خود کارگران نشان می‌دهد که رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی ضمن سرکوب عریان اعتراضات کارگری، تلاش می‌ورزد تا با انحراف مبارزات کارگران و محدود ساختن دامنه آن، با کانالیزه کردن جنبش کارگری زیر نفوذ نهادهای ضدخلقی نظیر خانه کارگر، و هر جا هم که می‌تواند با تحمیل یک "رهبری" سازشکار و وابسته به کارگران معترض و در صحنه، مبارزات کارگران به جان آمده را به کجراه بکشاند و جلوی پیشروی آن را سد سازد و نهایتاً نیز آن را منکوب و منزوی سازد.

تجربه مبارزات دلاورانه اخیر کارگران و کارکنان شرکت واحد برای دفاع از حقوق عادلانه خویش و تلاش برای ایجاد یک سندیکای مستقل و برخورداری ضدخلقی جمهوری اسلامی با کارگران این شرکت فاکت دیگری در اثبات این حقیقت است که در شرایط حاکمیت نظام سرمایه‌داری وابسته در ایران، رژیم‌های خدمتگزار این نظام ضدخلقی (در هر لباسی و با هر لفافه ایدئولوژیکی) کوچکترین حقی به طبقه کارگر برای تشکل و

در حقیقت، کارگران ما در جریان تمامی مبارزات قهرمانانه خویش در طول این سال‌ها دیده‌اند که دیکتاتوری و سرکوب به مثابه ابزار تعیین‌کننده و عمده طبقه حاکم، جزء ذاتی حیات ننگین رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی بوده و از آن جدائی‌ناپذیر است. یورش اخیر حکومت به کارگران شرکت واحد و بگیر و ببند و سرکوب کارگران و خفه کردن کوشش آنها برای تشکیل تشکیلات صنفی غیردولتی در نطفه، با توجه به چنین واقعیتی صورت می‌پذیرد. مقابله جمهوری اسلامی با خواست کارگران برای ایجاد تشکل‌های مستقل خویش، پیش از این نیز در برخورد با کارگران کردستان به منصفه ظهور رسیده بود. چندی پیش بیدادگاه‌های جمهوری اسلامی در یک اقدام ضدخلقی ۵ تن از فعالین کارگری را تنها به دلیل فعالیت (خارج از حیطه تشکل‌های کارگری) رژیم ساخته نظیر خانه کارگر) برای برآوردن خواست‌های صنفی ابتدائی کارگران و تلاش برای برگزاری مراسم اول ماه مه در سقز به سال‌ها زندان و تبعید محکوم کردند و دیگر بار نشان دادند که نظام حاکم، چه احمدی‌نژاد مزدور بر سر کار باشد و چه خاتمی فریبکار، کوچکترین مطالبات عادلانه کارگران را نیز روی بر نمی‌تابد و وظیفه‌ای جز سرکوب خواست‌ها و مبارزات کارگران محروم و گرسنه نداشته و نخواهد داشت.

اما اگر سرکوب و دیکتاتوری عمده‌ترین عامل بقای رژیم

سازماندهی قدرت تاریخی خویش و از آن کمتر برای ایجاد و تثبیت تشکل‌های صنفی خود نداده و نخواهند داد. و اساساً بورژوازی وابسته ایران تاکنون نشان داده است که فاقد کمترین ظرفیت و پتانسیل پذیرش چنین حقوقی برای طبقه کارگر ایران است. همین واقعیت بطور عینی امر تشکل طبقه کارگر و ایجاد تشکیلات صنفی نظیر سندیکا و اتحادیه و از آن مهمتر تثبیت این حقوق را بطور اجتناب‌ناپذیری به مبارزه توده‌ها برای سازمان دادن انقلاب و سرنگونی رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی گره زده است.

بکوشیم تا با حمایت از مبارزات و خواست‌های برحق طبقه کارگر ایران، جنبش تاریخ‌ساز آنها را در جهت‌گیری به سوی این هدف، یعنی انقلاب اجتماعی یاری دهیم.

## بزرگترین اعتصاب ۲۵ سال اخیر در نیویورک

بقیه از صفحه ۴

قطع این مزایا در شرایطی ست که شبکه حمل و نقل مازادی بیش از یک میلیارد دلار دارد. یکی از کارگران اعتصابی ضمن معقول دانستن خواسته‌های کارگران و کارمندان این اتحادیه و مشروع خواندن این اعتصاب گفت: "کارکنان حمل و نقل از قدرناشناسی و بی احترامی خسته شده‌اند". این اعتصاب وارد سومین روز خود شده است.

این اتحادیه آخرین بار در سال ۱۹۸۰ به مدت ۱۱ روز اعتصاب کرده بود که طی آن خساراتهای وارده میلیاردها دلار برآورد شده بود.



## خرید هواپیماهای آمریکائی از چین!

شرکت هواپیمایی "ایران ایر تور" اعلام کرد که دولت برای خرید ۲۲ فروند هواپیمای MD90 از کشور چین ۳۶۱ میلیون دلار اختصاص داده است. نکته قابل توجه در این خبر آن است که به رغم ارائه تقاضای خرید هواپیما به ظاهر از کشور چین، این هواپیما در واقع محصول مشترک آمریکا و چین بوده و امتیاز اصلی آن در اختیار دولت آمریکاست.

بنا به خبر "ایران ایر تور" هواپیمای MD90 محصول خط تولیدی مشترک در حاشیه سواحل کالیفرنیا است و اولین پرواز MD90 در ۲۲ فوریه ۱۹۹۳ به انجام رسید. پس از دریافت گواهینامه هواپیمایی کشور آمریکا در اواخر سال ۱۹۹۴، اولین محصول تولید و تحویل خطوط هوایی دلتا شد و در فوریه ۱۹۹۵ برای ارائه خدمات به مشتریان به پرواز درآمد و در آوریل ۱۹۹۵ به طور رسمی وارد عرصه حمل و نقل هوایی شد. شایان ذکر است که در طول حاکمیت جمهوری اسلامی بسیاری از معاملات این رژیم با شرکتهای آمریکائی از طریق واسطه ها و شرکتهای نوه و دختر انحصارات عظیم آمریکایی صورت گرفته است.

### "پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051  
London  
WC1N 3XX  
England

شماره تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 - 7946494034

آدرس پست الکترونیک

e-mail : [ipfg@hotmail.com](mailto:ipfg@hotmail.com)

به درخواست دولت بوش در مجلس این کشور تصویب گشته است.



## بزرگترین اعتصاب ۲۵ سال اخیر در نیویورک

بعد از آنکه مذاکرات بر سر افزایش دستمزدها، خدمات درمانی، میزان حقوق و مزایای بازنشستگی و سن بازنشستگی بین "اتحادیه کارکنان حمل و نقل" شهر نیویورک و مسئولان شبکه حمل و نقل شهری که توسط دولت اداره می شود به بن بست رسید، از روز سه شنبه ۲۰ دسامبر، ۳۴ هزار عضو این اتحادیه در شهر نیویورک وارد اعتصاب شدند.

این بزرگترین اعتصابی بود که شهر نیویورک در طول ۲۵ سال اخیر به خود دیده بود. شهردار شهر مایکل بلومبرگ مدعی شد که بر اثر این اعتصاب، موسسات دولتی روزانه ۴۰۰ میلیون دلار ضرر دیده اند. وی از ۷ میلیون مردمی که روزانه از وسائل نقلیه عمومی این شهر استفاده می کنند خواست تا به صورت اشتراکی از وسایل نقلیه خصوصی، استفاده نموده و یا با دوچرخه و یا بصورت پیاده تردد کنند.

این اعتصاب در حالی صورت می گیرد که بنا بر قانون ایالت نیویورک، اعتصاب برای کارگران و کارمندان بخش عمومی ممنوع می باشد. و از همین رو تئودور جونز، قاضی دادگاهی در بروکلین، اتحادیه حمل و نقل را برای هر روز اعتصاب، ۱ میلیون دلار جریمه کرد. علاوه بر این، وکلای کارفرمایان خواستار مجازات شدیدی برای متخلفان شده اند تا بدینوسیله اتحادیه را مرعوب ساخته و آنها را از دست یازیدن به یک اعتصاب طولانی باز دارند.

این اعتصاب بعد از آن صورت پذیرفت که در چارچوب یورش دولت بوش به حداقل حقوق و مزایای اجتماعی کارگران برخی دیگر از مزایای کارگران و کارمندان این اتحادیه لغو گردید.

ادامه مطلب در صفحه ۳

## راهپیمائی اعتراضی کارگران "پوشینه بافت" قزوین

در تاریخ ۱۳ دی ماه ۱۳۸۴، سیصد تن از کارگران "پوشینه بافت" قزوین در اعتراض به عدم دریافت ۷ ماه حقوق معوقه دست به یک راهپیمائی اعتراضی زدند که این راهپیمائی در مقابل استانداری قزوین خاتمه یافت. در پایان این راهپیمائی مدیرکل سیاسی - امنیتی این استان وعده داد که این استانداری قصد دارد تا بودجه ای به مبلغ یک میلیارد تومان برای پرداخت حقوق معوقه کارگران تخصیص دهد. وی افزود این بودجه در صورت مساعدت و تأیید رئیس جمهور در اختیار کارگران قرار خواهد گرفت.

۶۰۰ کارگر در شرکت پوشینه بافت قزوین به کار اشتغال دارند و ماه هاست که از دریافت حقوق محروم شده اند. کارگران این شرکت برای دریافت حقوق خود بارها دست به تجمعات اعتراض آمیز گوناگون از جمله تجمع در مقابل وزارتخانه و نهادهای دولتی زده و یا مبادرت به راهپیمائی کرده اند. اما هر بار با وعده و وعیدهای گوناگون سردوانده شده اند.

## ۴۵۳ میلیارد دلار بودجه نظامی!

دولت آمریکا در چارچوب پیشبرد سیاستهای میلیتاریستی و تجاوزکارانه خویش در سطح بین المللی به افزایش سریع بودجه نظامی خویش ادامه می دهد. در همین رابطه، مجلس سنای آمریکا بودجه پیشنهادی کابینه بوش برابر با ۴۵۳ میلیارد دلار برای سال ۲۰۰۶ را تصویب نمود. از این مبلغ تنها ۲۹ میلیون دلار صرف هزینه های ارتش در شهر توفان زده نیواورلئان و سایر مناطق ساحلی در حاشیه خلیج مکزیک که بر اثر سیل و توفان صدمه دیدند، می گردد. همچنین ۴ میلیارد دلار نیز برای آمادگی در برابر شیوع احتمالی آنفلوآنزای مرغی در نظر گرفته شده است. مابقی یعنی ۴۴۸ میلیارد و ۹۷۱ میلیون دلار خرج دستگاه سرکوب در عراق، افغانستان و سایر نقاط جهان منجمله خود آمریکا طی سال ۲۰۰۶ خواهد گشت. شایان ذکر است که رقم فوق سوای بودجه های دیگر نظامی ست که در ماه های اخیر بطور اضطراری

